

راهبرد تربیتی آرامش توحیدی خانواده از منظر قرآن

حمیدرضا حاجی بابایی*

چکیده

در این مقاله آرامش توحیدی در خانواده به‌عنوان یک راهبرد تربیتی در قرآن بررسی گردیده است. در آیات قرآن هدف از تشکیل خانواده آرامش معرفی شده است و خدای متعال آینه تمام‌نما، واقعی و انحصاری آرامش است. انسان در جستجوی گمشده خویش به‌سوی او شتافته و آرام می‌گیرد. آرامش این نماد کمال از طریق حکمت تحقق می‌یابد. آنگاه که تزکیه و تعلیم صبغه بینشی و بصیرتی پیدا کند، آرامش با معرفت توحیدی تجلی و در قلب و رفتار انسان به نمایش در می‌آید. قرآن کریم راهبرد تربیتی خانواده - یکی از هنرهای تربیتی هنرکده هستی - را در سیمای آفاقی و انفسی به نمایش گذاشته است. رمز این هنرنمایی، تربیت از طریق معرفت به هستی و آرامش در خانواده است؛ زیرا تربیت هدف اصلی خلقت است. در این تصویرپردازی همه راهبردها به راهبرد کلان توحید معرفتی و ربوبی منتهی می‌گردد و راهبرد تربیتی خانواده راهبردی مقدس از راهبرد کلان و بیانگر هدفدار بودن آفرینش است که نتیجه کاربردی آن توجه دادن به نقش قرآن در آرامش فردی و اجتماعی است.

واژگان کلیدی

تفسیر تربیتی، سیمای آرامش، سیمای خانواده، راهبردهای تربیتی.

طرح مسئله

خانواده در قرآن جایگاهی مهم و اساسی در تربیت انسان دارد و اساسی‌ترین نهاد تربیت است. اساس تشکیل خانواده، ایجاد شرایط مناسب برای رشد و کمال انسان است. خانواده شرایطی را آماده می‌نماید، که انسان استعدادهای درونی را شکوفا و نقایص خود را برطرف نماید و با نشاط و انگیزه‌ای قوی، در مسیر رشد و کمال قدم بر دارد. بحث خانواده، بسیار جامع و درخور تحقیق و پژوهشی گسترده است، اما هدف این پژوهش راهبرد آرامش، در فضای تربیتی خانواده است. با توجه به آیات «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم / ۲۱)؛ «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف / ۱۸۹) است که نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین آرامش دارند.

در پیشینه این پژوهش، تحقیقات گوناگونی به‌صورت پراکنده، ذیل آیات مربوطه یا متناسب با مباحث اخلاقی، اجتماعی، روان‌شناسی و مقاله‌های تخصصی توسط صاحب‌نظران و پژوهشگران به رشته تحریر درآمده است، که هرکدام از منظر خاصی به موضوع نگریسته‌اند. اما تصویرپردازی زیبایی‌شناسانه آرامش از منظر قرآن با نگاه توحیدی، صورت نگرفته است.

در این تحقیق سعی بر آن است نگاه توحیدی و ربوبی به نقش آرامش در تربیت خانواده، از منظر قرآن انجام پذیرد تا دلایل به آرامش رسیدن، عوامل موثر در آن و نقش اساسی آرامش در استحکام و دوام خانواده مشخص گردد. برای رسیدن به این هدف، تربیت ربوبی ظرفیت نامحدود رشد و کمال خانواده است. برای نیل به این اهداف، از تحقیق بنیادی با روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌گردد تا به این سؤال‌ها پاسخ داده شود که تصویر زیبایی‌شناسانه قرآن از خانواده در راهبرد کلان توحید ربوبی چگونه است؟ تصویرپردازی قرآن از آرامش خانواده در تربیت ربوبی، چگونه است؟

مفهوم‌شناسی تربیت

تربیت مصدر باب تفعیل از ماده «ربو» است که معنای آن زیادت و فزونی است. (راغب اصفهانی، ماده ربو) تربیت به معنای تهذیب نیز به کار رفته است که زدودن ویژگی‌های ناپسند اخلاقی است. «ربی الولد: هذبه» (لویس معلوف، ماده، ربو) تهذیب موجب افزایش معنویت و زمینه‌ساز تعلیم است و از این جهت تهذیب، تربیت است و معمولاً در رابطه با انسان، مفهوم رشد جسمانی است: «قَالَ اللَّهُ نَبِّئَكَ فِيْنَا وَلِيًّا وَلَبِئْتَ فِيْنَا مِنْ عُمْرِكَ سِنِينَ» (شعراء / ۱۸)، بنابراین تربیت از ریشه «ربو» در قرآن دامنه محدود تحقیقی دارد و نمی‌توان به تحقیق گسترده‌ای از این طریق در رابطه با تربیت پرداخت، اما از ریشه «ربب» دامنه گسترده و وسیعی دارد؛ زیرا «ربیت و ربانیت» از ریشه «ربب» است که به معنای ربوبی شدن و ربوبی ساختن انسان است که با نقش

راهبرد تربیتی آرامش توحیدی خانواده از منظر قرآن □ ۱۸۳

تعیین کننده، خالقیت و ربوبیت شکل می‌گیرد و تفکیک‌ناپذیر بودن، راه مستقیم و توحیدی، تربیت الهی انسان است؛ زیرا در معنای «رب»، مالکیت و مدیریت نهفته است. البته کلمه «رب» به طور مطلق افاده مالکیت و مدیریت مطلق دارد و در صورت اضافه شدن به غیر خدا نیز مطلق می‌شود، مانند: رب البیت و زمانی که مطلق بیاید، منظور خدای یگانه است.

ربوبیت و خالقیت تفکیک‌ناپذیرند؛ زیرا فقط خالق می‌تواند رب باشد. در این تصویرپردازی حقیقی، تربیت از منظر قرآن، شناخت خالق، مالک و مدبر هستی، به‌عنوان مربی و انسان به‌عنوان مربی و قرآن کتاب تربیت و رهبران الهی به‌عنوان الگوهای تربیتی، در یک مجموعه توحیدی ربوبی، تعریف می‌شوند که هدف اساسی خلقت در آن نهفته است. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام / ۱۶۲) و این همان توحید ربوبی است «وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (مریم / ۳۶؛ زخرف / ۶۴) و طی نمودن راه مستقیم او و دوری جستن از راه‌های انحرافی «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام / ۱۵۳) که همان دین است و عمل کردن به آن تربیت دینی و ربوبی است.

با توجه به این تصویرپردازی، تربیت دارای ارکانی مانند: مربی، مربی، الگوی تربیتی، منبع و روش تربیتی قرآنی و نیز عوامل تربیت است که هر کدام نقش خود را دارند. این جمع‌بندی را از تعریف استاد مطهری به‌روشنی می‌توان دریافت؛ تربیت عبارت است از: «پرورش دادن؛ یعنی استعدادهاى درونى‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن». (مطهری، ۱۳۸۳: ۲۲ / ۵۵۱)

مفهوم‌شناسی آرامش (سکون) در قرآن

در قرآن سکون در آیات گوناگون مورد بحث لغویون و مفسران قرار گرفته است. سکون از ماده «سَكَنَ - يَسْكُنُ - سَكُونٌ» به عدم اضطراب و حرکت دلالت می‌کند. (ابن فارس، ۱۳۹۰: ۴۵۷) و «سکون، آرام گرفتن بعد از حرکت است، ... مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٌ تَسْكُونُونَ ...» (قصص / ۷۲) (قرشی، ۱۳۵۲: ۲۸۲) در قرآن سکون به‌معنای آرامش باطن و انس «... وَجَعَلْنَا مِنْهَا رُجُومًا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا ...» (اعراف / ۱۸۹) زیرا نسبت زوج به زوج آرامش و انس است. (قرشی، ۱۳۵۲: ۲۸۲) و سکینه به‌معنای ایمن (طریحی، ۱۴۱۷: ۶ / ۲۲۶) و فرشته‌ای که دل‌های مؤمنین را تسکین می‌دهد و آنها را ایمنی می‌بخشد. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ ...» (فتح / ۴) (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲ / ۳۳۵)، که در واقع همان معنای آرامش قلب و اطمینان است.

یکی دیگر از ابزار ایجاد آرامش شب است «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (انعام / ۹۶) زیرا آرامش ظاهری و عدم تحرک، آرامش باطنی و قلبی ایجاد می‌کند که

دلیل آن انس با همسر و نیز دوری از هیاهوی زندگی است و «همچنین چیزی که ترس را از انسان می‌زداید» «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ...» (بقره / ۲۴۸) (قرشی، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۸۳) مسکنه به معنای فقر روحی است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۲۵۶) و کلمه «أَسْكَنْتُ» در «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم / ۳۷) با توجه به «بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ» از نظر روحی - روانی و ظاهری، سخن آرامش‌بخشی است؛ چون عبادت و پذیرش عبودیت و ربوبیت ناشی از محل، در او آرامش، انس، امنیت و ایمان ایجاد می‌کند. و کلمه «سکین» را به این دلیل نامگذاری کرده‌اند که «چاقو حرکت حیوان را از بین می‌برد و آن را بی‌حرکت و ساکن می‌کند»، (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲ / ۳۳۵) البته، واژگانی مانند: «طمأنینه»، «امن»، «ربط» و «ثبات» با آرامش و سکون، هم‌معنا هستند که معنای کلی همه آنها اطمینان خاطر، قوت قلب و خود را مدیریت و کنترل کردن است. نکته قابل برداشت از این معانی، بیانگر آن است که آرامش، ایجاد امنیت روحی - روانی و جسمانی، همراه با میل و انس منطبق با فطرت الهی است و منشأ این آرامش ربوبیت خدا است و یکی از مصداق‌های این ربوبیت، آرامش خانواده است.

مفهوم‌شناسی آرامش (اطمینان)

تصورپردازی طمأنینه و اطمینان از ریشه «طمن» به معنای آرامش خاطر، بعد از بی‌تابی و اضطراب است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۹۰) خدا آرامش را منحصر در ذکر خود می‌داند: «... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد / ۲۸)، انسان موحد، از نظر روانی در جایگاه امنی قرار می‌گیرد و به او آرامش می‌دهد و ذکر خدا پشت کردن به دیگران و برگشت به سوی خدا است «... وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ» (رعد، / ۲۷) «انابه» همان ایمان و اطمینان قلب با ذکر خدا، از ناحیه عبد است که او را مستعد می‌سازد. تا مشمول عنایت و عطیه الهی قرار گیرد. (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۱۱ / ۳۵۲) پس اطمینان، آرامش و ایمان قلبی است که با ذکر خدا ایجاد می‌شود «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد / ۲۸)، قرآن با هنر زیبایی‌شناسانه خود، آرامش را منحصر در ذکر خدا می‌داند؛ زیرا هر آرامش واقعی به معرفت‌شناسی و ربوبیت توحیدی باز می‌گردد و به همین دلیل «وقتی انسان موحد واقعی است که با یاد خدا به آرامش راه یابد. پس اثر توحید، اطمینان و آرامش دل است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲ / ۵۶۳) زیرا هر عملی که بر اساس دین و فرمان الهی انجام پذیرد، مترتب بر شناخت و انتخاب و پذیرش رب مطلق است. به همین دلیل با نام او آرامش می‌یابد؛ چون او را غالب مطلق می‌داند.

از نکات مهم هنری در این آیه متعلق فعل تَطْمَئِنُّ؛ یعنی: بِذِكْرِ اللَّهِ، مقدم بر خود فعل شده، برای بیان نکته حصر؛ یعنی: دل‌ها، جز با یاد خدا، به اطمینان نمی‌رسد؛ زیرا زمام امور فقط به دست او است. (همان) که این امر همان توحید در خالقیت و بالتبع توحید در ربوبیت است؛ چون خالقیت و ربوبیت انفکاک‌ناپذیرند.

پس خدا هر که را به‌سوی او برگردد، هدایت می‌کند و این برگشت باید قلبی باشد و هر کس به‌سوی خدا هدایت شود به توحید هدایت شده است.

بنابراین اطمینان فوق علم است؛ چون علم ذمورات است و خطورات، خیالات و وساوس که در قلب خطور می‌کند، ممکن است، علم باشد، اما اطمینان از این عوارض مصون و محفوظ است. قرآن به زیبایی این مطلب را تبیین می‌کند: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولَئِمُتُؤْمِنٌ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي ... (بقره / ۲۶۰) پس اطمینان قلب فوق ایمان است و راه تحصیل اطمینان ذکر خدا است.» (طیب، ۱۳۷۸: ۷ / ۲۳۵) و دلیل آن هم معرفت‌شناسی توحیدی است که از طریق عبودیت برای رب مطلق است. صاحب نفس مطمئنه دنیا را برای آزمایش و خود را در مقام تسلیم پروردگار می‌داند. (حسینی همدانی، ۱۴۰۹: ۱۸ / ۱۳۵) و «در مقام انقیاد قلبی و اطاعت عملی بوده و شعار او رضایت و تسلیم در مقابل اراده پروردگار و حوادث بوده است.» (همان)

بنابراین، اطمینان هرگونه اضطراب و ناآرامی را از انسان می‌زداید و او را به ساحل آرام رهنمون می‌سازد و او بر اساس این آرامش اعمال صالح انجام می‌دهد و ناامیدی از فضل الهی ندارد؛ چون مطمئن به فضل الهی، عامل به صالحات است. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۶۱۷) و این یک تربیت کامل و عین صراط مستقیم و ربوبیت توحیدی است که خدا امام حسین علیه السلام را به‌عنوان نماد یک انسان صاحب نفس مطمئنه، به تصویر کشیده است؛ کسی که خود را کاملاً پذیرای فرامین الهی نموده و ربوبیت پروردگار یگانه را مبنای عبادت قرار داده است و آرام و از انانیت خویش که سبب اضطراب است، خارج گشته است (گنابادی، ۱۴۰۹: ۱۴ / ۵۳۵) «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّاتِي» (فجر / ۳۰ - ۲۷) وقتی بنده خدا از خدا راضی باشد، قهراً خدای تعالی نیز از او راضی خواهد بود؛ چون هیچ عاملی به جز خروج بنده از زی‌بندگی خدا را به خشم نمی‌آورد و بنده خدا وقتی ملازم طریق عبودیت باشد مستوجب رضای خدا خواهد بود و در نتیجه خود را بنده‌ای می‌بیند که مالک هیچ خیر و شری و نفع و ضرری برای خود نیست. (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۲۰ / ۴۷۸) بنابراین به‌همان میزان که نفس انسان خدایی است، به‌همان نسبت آرامش می‌گیرد. و اضطراب ندارد و به میزانی که از خدا دور است، مضطرب و غیر آرام است و اطمینان و آرامش کامل جز در مرتبه آخر حاصل نمی‌شود؛ چون نفس مطمئنه، نفس مطمئنی است که از نظر ایمان دارای یقین و تصدیق به ثواب و بعثت است و به حقیقت ایمان مطمئن است. (گنابادی، ۱۴۰۹: ۲۷ / ۸۳) و این تربیت کامل است که با انتخاب رب مطلق فقط فرمان او را انجام می‌دهد.

مفهوم‌شناسی رحمت و مودت

خدای متعال هدف اساسی در تشکیل خانواده را آرامش قرار داد و دو موهبت الهی را بر اساس خالقیت و ربوبیت برای رسیدن به این هدف به انسان هدیه داد که بدون آنها امکان رسیدن به چنین هدفی،

امکان‌پذیر نیست. در ادامه به نقش این دو هدیه الهی با تصویری از مفهوم‌شناسی آنها می‌پردازیم.

مودت از ریشه «وَدَّ يُوَدُّ وِدًّا مَوَدَّةً» به معنای دوست داشتن، (ابن فارس، ۱۳۹۰: ۱۰۱۶) و دوستی و محبت نیز آمده است. (قرشی، ۱۳۵۲: ۷ / ۱۹۲) مودت به معنای محبت و دوست داشتن، بر اساس غریزه، قوام‌بخش و مداوم نخواهد بود؛ زیرا هرچه سن همسران، افزوده گردد، غریزه گرایش به همسر ضعیف‌تر شده و پایه زندگی که مودت غریزی است، سست‌تر می‌گردد و خانواده فرو می‌پاشد. و چون مودت تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۱۶ / ۱۶۶) بنابراین مودت عنصری است که اثر متقابل و ظاهری دارد و انگیزه آغازین زندگی است.

رحمت از ماده «رَحِمَ - رَحِمَةً» به معنای، «برای او دل سوزی کرد و او را بخشید» است. (ابن فارس، ۱۳۹۰: ۳۶۸) و به معنای نرمی و نرمخویی، که نیکی کردن به طرف مقابل را اقتضا می‌کند و گاهی درباره مهربانی و نرم‌دلی به‌طور مجرد و گاهی به معنای احسان و نیکی کردن، که مجرد از رقت است، به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲ / ۸۱) و نیز رحمت رسیدگی به نیازهای عاطفی و طبیعی یکدیگر، عامل دوم دوام خانواده است، از سوی دیگر غیر از حضرات معصومین علیهم‌السلام همه لغزش دارند، گرچه بر اثر اختلاف سلیقه باشد. برای استحکام اساس خانواده راهی جز گذشت رثوفانه، از اشتباه‌های یکدیگر نیست، (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۷ / ۶۹) بنابراین رحمت به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را واردار می‌کند که در مقام رفع محرومیت او برآید و نقصش را برطرف نماید (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۱۶ / ۱۶۶) پس رحمت انگیزه ادامه زندگی است.

تصویر زیبایی‌شناسانه، رابطه مودت و رحمت مبتنی بر شناخت و همکاری دو جانبه و احتیاج به محبت و بخشش طرفین دارد. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۷ / ۷۴) گاهی رابطه آنها، رابطه طولی است، مودت رابطه دوره جوانی و رحمت رابطه روزگار پیری است (عاملی، ۱۳۶۰: ۷ / ۹۶) چون مودت زمینه‌ساز رحمت است و مودت همان دوست داشتن یکدیگر است اما رحمت و مهربانی، تأثر قلبی است که از دیدن محرومیت و نقص و گرفتاری طرف، در قلب احساس می‌شود، بنابراین رحمت ناشی از مودت است. اگر در وجود انسان مودت وجود نداشت، رحمت یافت نمی‌شد. (قرشی، ۱۳۷۷: ۸ / ۱۹۱) رحمت و مودت از جهتی شبیه به یکدیگرند؛ زیرا هر دو هدیه الهی هستند. خدا این دو را لازم و ملزوم یکدیگر قرار داده است. ضمن رابطه تکوینی و ربوبی، نسبت‌های دیگری نیز با هم دارند. مودت غالباً جنبه متقابل دارد، اما رحمت یک جانبه و ایثارگرایانه است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۳۹۳) در این تصویر زیبایی‌شناسانه، نسبت مودت به رحمت، نسبت خضوع به خشوع است؛ چون خضوع آن خشوعی را گویند که در مقام عمل اثرش هویدا شود، برخلاف خشوع که به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید. (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۱۶ / ۶۶) نقش مودت و رحمت در تشکیل و تحکیم و دوام خانواده، کلیدی و اساسی است و مبتنی بر شناخت، دوستی و بخشش دوجانبه است.

راهبرد تربیتی آرامش در خانواده از منظر قرآن

یک. تصویری از آرامش در قرآن

در تعریف تربیت ربوبی بیان شد که بر مبنای آیات قرآن تربیت از ریشه «رب» گستره تحقیقی وسیع‌تری نسبت به ریشه «ربو» دارد. در نخستین مرحله، باید معرفت به خدای یگانه پیدا نمود و او را به‌عنوان «رب» انتخاب کرد. و به اوامر و نواهی او جامه عمل پوشید. هر اقدام تربیتی مبتنی بر ربوبی بودن آن است و خالقیت و ربوبیت، انفکاک‌ناپذیرند و ربوبیت حامل دو عنصر مالکیت و مدیریت است، پس خدای سبحان مالک تدبیر علی‌الاطلاق است و چنانکه علامه طباطبایی می‌نویسد: «خدای تعالی آن عزیز و مقتدری است که هیچ قدرتی توانایی غلبه بر قدرت او را ندارد تا کوچک‌ترین اثری در تباہ ساختن تدبیر او داشته باشد». (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۷ / ۳۹۸)

مصادیق اوامر و نواهی الهی که همان دین است. با شناخت پروردگار یگانه و انتخاب او به‌عنوان رب مطلق و بندگی او تبدیل به عبادت می‌شود: «وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (مریم / ۳۶: زخرف / ۶۴) و بندگی خدا ایجاد امنیت و آرامش می‌کند؛ چون غالب مطلق است و تکیه به او مایه دلگرمی است.

تصویر آرامش در هستی، همراه با یکپارچگی و وحدت، به نگاه تربیتی ربوبی برمی‌گردد. به‌همین دلیل هر عمل دینی انسان را به سمت ربوبی شدن، تربیت و رضایتمندی خدا، رهنمون و در نتیجه ایجاد آرامش می‌کند. در این آیات، مواردی از اعمال، نام برده شده است که همه این اعمال در صورتی آرامش‌بخش خواهند بود که در ظرف ربوبیت باشد، به‌عنوان مثال در مورد کلمه «تابوت» در قرآن: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ...» (بقره / ۲۴۸) چون نشانه‌ای از قدرت حق بود، دل‌ها به هنگام گرفتاری با آن آرامش می‌یابد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۶۴) به دلیل اینکه در ظرف خالقیت و ربوبیت قرار داشت، مقرون به ایمان بود و آرامش در سایه ایمان است. (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۸۹)، پس مراد از سکینه، آرامش و اطمینان است، به آن چیزی که به آن ایمان داریم. (همان: ۱۸ / ۲۵۸) به‌همین دلیل قرآن ایجاد سکینه در قلوب مؤمنین را باعث افزایش ایمان می‌داند و این آرامش نوع ویژه‌ای از آرامش است که تنها در دل‌های پاک فرود می‌آید و موجب تثبیت ایمان مؤمنان و افزایش روح تقوا در انسان می‌شود و در مراحل عالی است و دیگران از آن بهره‌ای نمی‌برند. (همان: ۹ / ۲۲۲) بنابراین همه آرامش‌ها ریشه در ربوبیت دارند. ذکر، خلق شب، خلق همسر و دعای بنده کامل خدا، در ظرف نامحدود خالقیت و ربوبیت خدای یگانه است.

در برابر آرامش ربوبی، موانع آرامش، شرک، کفر، نفاق و غیره، از ایجاد و بقای آرامش که براساس خالقیت و ربوبیت خدا ایجاد می‌شود، جلوگیری می‌نمایند، پس راه مبارزه با این موانع، معرفت توحیدی و ارتباط با خدا است، که قرار گرفتن در ربوبیت است و انسان را تربیت (ربوبی) می‌نماید و آرامش توحیدی را برای او مهیا می‌سازد. یکی از این راه‌ها، استفاده از راهبرد تربیتی خانواده است در کلیه معانی کلمه «سکون»

و مشتقات آن تضادی وجود ندارد. همه آنها بیانگر آرامش و شرایطی است که انسان در آن، می‌تواند موفقیت‌های بزرگ تربیتی را به‌دست آورد و با عدم آن از چنین موفقیتی باز می‌ماند.

دو. تصویری از خانواده در قرآن

این تصویرپردازی هم در درون و هم در برون انسان به هنرنمایی پرداخته است که به اجمال به تماشای آن خواهیم نشست.

برای این مهم به مفهوم‌شناسی ارکان تحقیق پرداخته شد و مفهومی از تربیت ربوبی ارائه گردید که براساس این مفهوم، تربیت عبارت است از: شناخت خداوند (رب مطلق) و انتخاب او به‌عنوان مربی (رب) و پذیرش او (متربی بودن برای او) و تن دادن به تربیت او و تن زدن از غیر او (اوامر و نواهی او را عمل کردن) که همان دین کامل است (صراط مستقیم) و نتیجه آن عبادت و تقوا است «وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوا هَذَا صِرَاطَ مُسْتَقِيمٍ» (مریم / ۳۶؛ زخرف / ۶۴) و طی نمودن راه مستقیم او و دوری جستن از راه‌های انحرافی است «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام / ۱۵۳) که همان دین کامل است. در تربیت دینی و ربوبی، همه اعمال انسان برگرفته از احکام و فرامین الهی است و همه برنامه‌ها و اعمال دینی، از طریق شناخت، انتخاب و پذیرش خدای یگانه و با اختیار انجام می‌پذیرد و شرط تربیتی بودن آن توجه به ربوبیت است. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام / ۱۶۲) و اینکه خداوند آرامش را منحصر در ذکر خود می‌داند؛ چون انسان موحد از نظر روانی در جایگاه امنی قرار می‌گیرد که ذکر به او آرامش می‌دهد و ذکر خدا پشت کردن به دیگران و برگشت به سوی خدا است «... وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ» (رعد / ۲۷) و «إِنَّا بِهِمَانِ إِيمَانٍ وَاطْمِينَانِ قَلْبًا بِذِكْرِ خَدَا، از ناحیه عبد است که او را مستعد می‌سازد تا مشمول عنایت و عطیه الهی قرار گیرد.» (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۱۱ / ۳۵۲) پس اطمینان، آرامش و ایمان قلبی است که با ذکر خدا ایجاد می‌شود «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد / ۲۸) قرآن با هنر زیبایی‌شناسانه خود، آرامش را منحصر در ذکر خدا می‌داند؛ زیرا هر آرامش واقعی به معرفت‌شناسی توحیدی و ربوبیت توحیدی باز می‌گردد و به‌همین دلیل وقتی انسان موحد واقعی است که با یاد خدا به آرامش راه یابد، پس اثر توحید، اطمینان و آرامش دل است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲ / ۵۶۳) چون در تربیت ربوبی، تربیت انسان محصول اقداماتی است که در دین تعریف شده است و آنچه در دین تعریف شده است، محصول خالقیت و ربوبیت است که از هم تفکیک‌ناپذیرند. و صفت خدای یگانه‌ای است که دارای قدرت مطلق است و هر چیزی در پناه او آرام می‌گیرد. «خدای تعالی آن عزیز و مقتدری است که هیچ قدرتی بر قدرت او نمی‌تواند غالب شود تا کوچک‌ترین اثری در تباہ ساختن تدبیر او داشته باشد» (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۷ / ۳۹۸) به‌همین دلیل آرامش‌بخش است.

سه. راهبرد تربیتی خانواده نمایش خالقیت و ربوبیت

خانواده، در معرفت‌شناسی هستی، در سیر آفاق و انفس مهم‌ترین نقش تربیتی را دارد؛ چون از این منظر خدای یگانه، خالق هستی است و خالقیت و ربوبیت او، تفکیک‌ناپذیرند و ربوبیت، دارای دو عنصر مالکیت و مدیریت است؛ خداوند هم خلق می‌کند و هم تدبیر می‌کند و تدبیر او توحیدی است. در این منظر «رب» مطلق است و خانواده در این فرایند ربوبی به‌عنوان نشانه‌ای تدبیر شده، از نشانه‌های الهی نقش‌آفرینی می‌کند و از یک منظر خلق و از منظر دیگر، در تدبیر ربوبیت است و از آیات الهی محسوب می‌گردد و همه آیات الهی از این قانون خالقیت و ربوبیت پیروی می‌کنند و خانواده یکی از آیات الهی است که در قرآن، نقش تربیتی و آرامش‌بخشی آن، به تصویر کشیده شده است.

نمایش زیبای آفاقی و انفسی یازده آیه با «مِنْ آيَاتِهِ» شروع شده است که هفت آیه در سوره روم (۲۶ - ۶ ۲۰ و ۴۶)، دو آیه در سوره فصلت (۳۷ و ۳۹) و دو آیه در سوره شوری (۲۹ و ۳۲) است که محور بحث ما، شش آیه سوره روم با نمایش زیبای سه آیه انفسی، دو آیه آفاقی و یک آیه آفاقی - انفسی است که با تصویرپردازی هنرمندانه به نشانه‌های خداوند در هستی و خلق هدفمند و هنرمندانه انسان از منظر هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معادشناسی توحیدی می‌پردازد. مجموع این یازده آیه، حقا یک دوره کامل توحید است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۳۸۹) و با نمایش مراحل خلقت انسان و هنرنمایی قدرتمندانه در خلق زنده از مرده، به شناخت خدای یگانه می‌پردازد. و انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ...» (روم / ۲۰) که از نشانه‌های اقتدار و انحصار خالق هستی است و سپس به زندگی انسان بر روی زمین و گهواره تربیت او می‌پردازد «... ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ» (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۱۶ / ۲۵۵) و در صحنه‌ای دیگر به خمیرمایه استحکام زندگی او پرداخته و لایق‌ترین موجود برای همراهی او را از جنس خودش خلق و انتخاب می‌کند که میوه مشترک خالقیت و ربوبیت است؛ زیرا راه رسیدن به هدف مقدس او از این طریق امکان‌پذیر است. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...» (روم / ۲۱) و دو عنصر مهم تشکیل‌دهنده استحکام و دوام این نمایش هدفمند و زیبای تربیتی توحیدی را معرفی می‌نماید «... وَجَعَلْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (همان) و عامل رسیدن به هدف را معرفی و تفکر در خلقت را نشانه پی بردن و موفقیت در این حرکت و فهم نمایش می‌داند «... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ» (همان) و به‌دنبال این هنرنمایی از شناخت انسان، آثاری از هستی‌شناسی را به نمایش می‌گذارد که با علم قابل فهم و دریافت هستند و با ابزار علم؛ یعنی تفکر و تعقل و حواس پنج‌گانه از هستی قابل دسترسی است. نشانه‌هایی از قبیل: اختلاف در زبان و رنگ که لازمه تربیت انسان است «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافُ اللَّسَانِكُمْ وَالْوَالِدِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم / ۲۲) و موارد دیگری از هستی‌شناسی که مربوط به نیاز جسمانی و روحانی انسان است

و نیز از ابزار مانند: حواس پنج‌گانه که ابزار علم است و با تفکر و تعقل تبدیل به علم و سپس بینش و بصیرت می‌گردند و خلق شب و روز و نیازهای دیگر انسان که لازمه تربیت او هستند «وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالتَّبَاغُوتُ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (روم / ۲۳) و انسان را براساس تعقل به علم دنیا و آخرت تنبیه می‌دهند «وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم / ۲۴) و در نهایت هدف‌دار بودن هستی که با خلق و تدبیر، شروع گردیده بود با معادشناسی و آگاهی نسبت به جهان غیب به‌عنوان یک عامل تربیتی نمایش کامل تدبیر و ربوبیت را به پایان می‌برد «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ». (روم / ۲۵)

نکته مهم در تربیت انسان اینکه «در ترتیب فواصل آیات، فرموده: «یتفکرون» بعد «للعالمین»، بعد «یسمعون» سپس «یعقلون» و از این ترتیب این نکته استفاده می‌شود که انسان نخست فکر می‌کند، بعد عالم می‌شود و بعد هر گاه چیزی از حقایق را شنید در خود جای می‌دهد، آن‌گاه پیرامون آن تعقل می‌کند و خدا دانایتر است.» (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۱۶ / ۲۵۵) نمایش شروع تا پایان زندگی انسان حاکی از اصل بودن معرفت توحیدی و خلق هدفمند هستی و تربیت هدفمند توحیدی یا همان ربوبیت است که از هم تفکیک‌ناپذیرند «وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانُونَ» (روم / ۲۶) و منطوق این آیه «اشاره است به احاطه ملک حقیقی خدا، که اثر آن جواز تصرف مالک در ملک خویش، و به دلخواه خویش است، پس خدای تعالی از آنجا که مالک حقیقی عالم است، در مملوک خود تصرف نموده از نشئه دنیا به آخرت می‌برد.» (طباطبایی، همان) بنابراین انسان برای طی مراحل خداشناسی نیاز به برطرف کردن موانع و استفاده از عوامل معرفتی دارد و چون موانع جسمی، روحی، فردی و اجتماعی که موجب سلب آرامش انسان و زوال آنها، باعث ایجاد آرامش برای انسان می‌گردد. به‌همین دلیل خدا در آیات فوق نوع خلق انسان را بیان و سپس لازمه حرکت تربیتی انسان را با زوجیت و تشکیل خانواده تدبیر می‌کند و هدف اساسی در این زوجیت را ایجاد آرامش بیان می‌کند که مفسران این آرامش را جسمی، روحی، فردی و اجتماعی می‌دانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۴۹۵)

بررسی مطالب فوق بیانگر توحیدی بودن هستی، از منظر قرآن است که با تصویرپردازی زیبایی‌شناسانه‌ای به تدبیر و هدف‌داری هستی و اصلی‌ترین هدف آن، تربیت انسان می‌پردازد و هستی را محملی برای این هدف بزرگ می‌داند و بستر این راهبرد عظیم را در خانواده و پیامد آن را آرامش می‌داند که شروع آن با معرفت توحیدی و ادامه آن با ربوبیت توحیدی است و همه هدف خلقت هستی، به آن برمی‌گردد و باید در این مسیر قرار گرفت. قرآن عده‌ای از آیات را که بر وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و الوهیت دلالت می‌کند، ذکر فرموده و در آن به همراهی و آمیختگی خلقت با تدبیر نیز اشاره شده، تا بدین وسیله

روشن گردد که ربوبیت به معنای مالکیت تدبیر و الوهیت به معنای معبود بودن به حق، مخصوص خدا است و کسی جز خدا مستحق آن نیست. (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۱۶ / ۲۴۸) و یکی از این شکل‌ها خانواده است که در خانواده، بر اثر ربوبی شدن، تبدیل به آرامش خانواده، به عنوان یک راهبرد تربیتی می‌شود و این راهبرد شعبه‌ای از یک راهبرد کلان تربیتی (تدبیر هستی) است که هدف اصلی خلقت را (تربیت) راهبری می‌کند و از طریق تبدیل تعلیم و تزکیه به حکمت، بینش و بصیرت او را به خالق هستی و مربی هستی افزایش می‌سازد و به همان میزان که بینش می‌یابد تربیت می‌شود؛ یعنی الهی، توحیدی و ربوبی می‌گردد و در هر درجه‌ای از کمال آرامشی درخور می‌یابد. پس خانواده، در تدبیر هستی، نقشی تربیتی دارد که در ظرف نامحدود و تفکیک‌ناپذیر خالقیت و ربوبیت و براساس نیازهای خلقتی، تشکیل می‌گردد و براساس تدبیر ربوبی ادامه می‌یابد و آرامش، آن چیزی است که نشان‌دهنده رشد فضائل اخلاقی انسان و ربوبی شدن او و قرار گرفتن در صراط مستقیم و حق است.

نتیجه

در تصویرپردازی و نمایش تربیتی انسان در خانواده، خدای متعال از طریق نشانه‌های آفاقی و انفسی و با استفاده از عناصر تفکر، تعقل، علم و حواس پنج‌گانه به معرفت‌شناسی هستی می‌پردازد و تصویری از هستی‌شناسی: «از سوی خدا و به سوی خدا» را با هنر خالقیت و ربوبیت، در هستی و سرشت انسان حک نموده است و انسان، با نظاره این مستند و هماهنگی با آن، جستجوی بی‌امانی را در هستی‌شناسی انجام می‌دهد تا با معرفت به هستی و شناخت نقش خود، راه مشترکی را می‌یابد؛ هم سیر در آفاق می‌کند، هم سیر در انفس می‌کند. هرچه بیشتر سیر می‌کند، خود را آشناتر، علاقه‌مندتر و ربوبی‌تر می‌یابد و با معرفت به هستی و خود، از راز و رمز هستی و اصلی‌ترین هدف آن، که تربیت است پرده‌برداری می‌نماید و راه رسیدن به آن را تزکیه و تعلیم منتهی به حکمت می‌یابد؛ حکمتی که نتیجه آن بینش و جهان‌شناسی توحیدی است که خدا را خالق مطلق و در نتیجه مربی مطلق می‌داند. که قطرات هستی به وسیله او خلق و سپس هماهنگ تربیت می‌شوند.

انسان با این بینش خود را در مسیر کمال و تربیت ربوبی، مخلوق خالق و متربی مربی و کارگردان هستی می‌شناسد و مراحل گوناگون را براساس قوانین معرفتی توحیدی، فهم و رفتار و اعمال خود را منطبق بر توحید ربوبی، طی می‌کند و به هر میزان که شناخت پیدا می‌کند، اعمال و ایمان او قوی‌تر و از طریق ذکر خدا در درون او آرامش روانی ایجاد می‌گردد و در مسیر کمال و تربیت خود از نفس اماره به سوی نفس لوامه و از نفس لوامه به سوی نفس مطمئنه، راهنمایی و هدایت می‌گردد که تصویرپردازی قرآن، آن را تن زدن به غیررب یگانه به‌ویژه خود، (خود ربی) تا تن دادن کامل به رب یگانه به تصویر کشیده است و قله‌های معرفت و ربوبیت توحیدی و یقین ایمانی انسان کامل را به نمایش گذاشته است.

در این تصویرپردازی نهاد مقدس خانواده راهبردی تربیتی است که با خلق و تدبیر همسر لایق و دو عنصر مهم مودت و رحمت به ساحل آرامش معرفت توحیدی و راهبرد کلان توحید ربوبی هدایت می‌شود. آرامش با ابعاد جسمی، روحی، فردی و اجتماعی او را برای تربیت انسانی آماده می‌نماید. تشکیل خانواده، یکی از نشانه‌های توحیدی و خداشناسی است که انسان را به آرامش و در نتیجه به تربیت سوق می‌دهد و پیوند میان زن و مرد، که از یک مودت مادی مبتنی بر جنبه شهوانی یا عقلانی شروع می‌شود به صورت یک پیوند روحی درمی‌آید و سرانجام به عمق معرفت می‌رسد و حکمت حیات را درمی‌یابد و فرصتی در اختیار او قرار می‌دهد تا در سایه آن با تفکر و اندیشه در نشانه‌های خدا، پی به وجود خالق بزرگ ببرد و او را دارای اقتداری بداند که غالب مطلق است و هر چقدر این شناخت عمیق‌تر، رابطه انسان با خدا و آرامش در وجود انسان بیشتر می‌گردد تا جایی که انسان به تربیت کامل می‌رسد که همان آرامش کامل است. در این نمایش عظیم هستی، خانواده، دارای برنامه‌ریزی، الگوی شایسته و اهداف تربیتی است و براساس راهبرد کلان معرفت‌شناسی توحیدی و ربوبیت توحیدی ایفای نقش می‌کند و آرامش حاصل از آن رنگ و بوی توحیدی دارد و آرامش توحیدی واقعی، اصلی و میوه تربیت ربوبی است و هر آرامش دیگری یا فرع بر آن یا واقعی نیست و منجر به تربیت و یا میوه تربیت نمی‌باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد، ۱۳۹۰، ترتیب مقایس اللغه، تحقیق و ضبط عبد السلام محمد هارون، ترتیب و تنقیح علی العسکری و حیدر المسجدی، قم، مرکز دراسات الحوزه و الجامعه.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، تهران، بنیاد بعثت.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۲، ۸ و ۱۷، قم، اسراء.
- حسینی استرآبادی، سید شریف‌الدین علی، ۱۴۰ ق، تأویل آیات الظاهره، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۳ ق، تبیین القرآن، بیروت، دارالعلوم.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین، ۱۴۰۹ ق، تفسیر انوار درخشان، ج ۱۸، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۳، مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی.
- سیاح، احمد، فرهنگ جامع نوین، تهران، کتابفروشی اسلام.

- راهبرد تربیتی آرامش توحیدی خانواده از منظر قرآن □ ۱۹۳
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۰۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن* ج ۲، ۹، ۱۶ و ۱۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، ج ۱، تهران، ناصر خسرو، ج ۲.
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۷ ق، *مجمع البحرین*، ج ۶، تهران، مرتضوی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۷، تهران، اسلام.
- عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰، *تفسیر عاملی*، ج ۷، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۵۲، *قاموس قرآن*، ج ۳ و ۷، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- _____، ۱۳۷۷، *تفسیر احسن الحدیث*، ج ۳ و ۸، تهران، بنیاد بعثت.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ج ۷، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۹ ق، *ترجمه بیان السعاده فی المقامات العبادیه*، ج ۱۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، ج ۱۶، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

